حاشیه‌نگاری از دیدار نوروزی صمیمی رهبر انقلاب و جمعی از مسؤولان

جلسه‌ای شیرین با چهل تکه‌ای قشنگ!

■ رودخانه‌های کوچک و بزرگی که باید به اقیانوس انقلاب بریزند
■ انقلاب باید نشان بدهد که می‌تواند مشکلات اقتصادی را برطرف کند

سپهر خلجی، مدیر روابط عمومی دفتر رهبری، حاشیه‌نگاری دیدار منتشر نشده ۱۳۹۵/۱/۲۴ جمعی از مدیران نظام با رهبر معظم انقلاب را در صفحه کانال تلگرام خود منتشر کرد:

سه‌شنبه گذشته (۲۴ فروردین ۹۵) جمعی از مسؤولان فعلی و قبلی کشور در سطوح مختلف، با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند؛ جلسه‌ای صمیمی و شیرین بود و آقا بحث‌های مهمی مطرح کردند که مخاطب آنها فقط حاضران در جلسه نبودند؛ با توجه به اینکه گزارش رسمی از این دیدار منتشر نشد و یکی از روزنامه‌ها نیز روایت ناقص و کوتاهی را از این دیدار منتشر کرد، به نظرم آمد از فرصت حضور در جلسه استفاده و در قالب یک حاشیه‌نگاری، روایت این دیدار را که قابل استفاده عمومی است، منتشر کنم:

***

■ انگشتری که قبل از مراسم هدیه شد

همین روزها قرار است هر دو چشمش را عمل کنند؛ چشم‌هایی که در دفاع از حریم اسلام و اهل‌بیت(ع) در عملیات آزادسازی نبل و الزهراء داده تا برای روزی که همه چشم‌ها به زیر هستند، این چشم‌ها او را سربلند کنند و حالا آمده اینجا تا با کورسویی که مانده، آقا را ببیند. به آقا می‌گوید شما خیلی دوست داشتید نبل و الزهراء آزاد شود؛ آقا با لبخند تایید و برای سیدحسن جانباز دعا می‌کنند که بینایی‌اش را دوباره به دست آورد. سیدحسن هم از آقا می‌خواهد انگشترشان را تبرکاً بعد از مراسم به او هدیه دهند؛ این همه درخواست جانباز مدافع حرم از آقاست؛ اما آقا منتظرش نمی‌گذارند: «چرا بعد از مراسم؟ همین حالا!» آقا انگشترشان را می‌دهند و نقش انگشتری را برای سیدحسن می‌خوانند: «وَمَن یَتقِ اللهَ یَجْعَل لهُ مَخْرَجًا وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ وَمَن یَتَوَکلْ عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إن اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِکُل شَیْءٍ قَدْرًا»

***

میهمان‌ها به صف ایستاده‌اند؛ آماده‌اند تا نماز را با آقا بخوانند. این سومین مراسم عیدانه‌ای است که در سال جدید تعدادی از مسؤولان سابق و لاحق با آقا دیدار می‌کنند. نماز که تمام می‌شود، آقا هنوز مشغول تعقیبات هستند که میهمان‌ها هر کدام جایی برای نشستن‌شان دست و پا می‌کنند؛ آقا پس از تعقیبات روی صندلی می‌نشینند و نظر به نظر با میهمان‌ها سلام‌علیکی می‌کنند؛ اینجور سلام و تحیت‌گویی، سیره همیشگی آقاست در دیدارهایی با جمعیت نسبتاً محدود؛ بعد یک صلوات از جمع می‌گیرند و می‌گویند: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، عیدتان مبارک!» لبخند به لب همه می‌نشیند و عید مبارکی آقا را جواب می‌دهند؛ آقا رشته سخن را با تبریک اعیاد به دست می‌گیرند: «هم عید سعید نوروز، هم عید ولادت صدیقه کبری سلام‌الله علیها، هم عید ورود ماه رجب که در واقع عید پرهیزگاران و بندگان صالح و اولیاءالله است. ان‌شاءالله که همه‌تان در این عناوین داخل باشید و از این ماه رجب حداکثر استفاده را ببرید، این حقیر را هم دعا کنید، ما هم دعا می‌کنیم ان‌شاءالله به همه‌تان».

■ تحکیم «خاکریز ما می‌توانیم»؛ بحمدالله در قحط نخبگان نیستیم

جلسه گرم‌تر هم می‌شود وقتی که آقا می‌گویند این جلسه، جلسه شیرینی است، چون جزو معدود جلساتی است که تقریباً همه حضار را می‌شناسند و با بسیاری از آنها در سال‌های متمادی، همکاری و همفکری داشته‌اند.

اما این، همه آن چیزی نیست که جلسه را از نظر آقا مطلوب کرده؛ آقا در توصیف میهمان‌ها می‌گویند: «عموماً جزو نخبگان جامعه ما هستید، مدیران خوب، برجستگان، مجربین در دستگاه‌های مختلف، دستگاه‌های اقتصادی، دستگاه‌های فرهنگی، دستگاه‌های فنی، دستگاه‌های خدماتی و دستگاه‌های فکری. عموماً دوستانی که اینجا تشریف دارید، جزو نخبگان هستید و خدا را شکر می‌کنیم از اینکه بحمدالله ما در قحط نخبگان نیستیم در کشور. من آن روزی که مسؤولین قوه مجریه و مقننه و قضائیه اینجا تشریف آورده بودند برای اظهار محبت عید، به آنها گفتم، گفتم ما بحمدالله کمبود مدیر خوب نداریم، خیلی داریم. حالا ممکن است مثلاً بنده یکی را نشناسم، لکن مدیر خوب کم نداریم، ما در کشور خیلی مدیر داریم. هیچ احتیاجی نیست به اینکه انسان آرزو کند که کاش مثلاً فرض کنید که فلان‌جور می‌شد تا می‌توانستیم دستگاه‌های‌مان را مدیریت کنیم». اعتماد به نفس؛ همان سنگر مهمی است که دادند؛ در رژیم طاغوت سنگر «ما نمی‌توانیم» بنا شده بود که بستر سلطه و استعمار باشد؛ انقلاب آمد و این سنگر را خراب کرد و جایش سنگری زد به‌نام «می‌شود و می‌توانیم». انقلاب و رهبری در این سال‌ها محکم ایستاده‌اند که کسی نتواند سنگر سلطه‌گری «بی‌اعتمادی به خود» را برگرداند.

آقا برای جا افتادن بحث خاطره‌ای از ۱۵، ۱۶ سال قبل می‌گویند؛ روزی که مسؤول یکی از بخش‌های کشور از کمبود مدیریت کلان در آن بخش گزارش داد: «من خب، گزارش‌هایی داشتم. گفتم این گزارش‌ها هست اینها و ایشان گفت نه، این گزارش‌ها خیلی معتبر نیست. ما نداریم مدیر به قدر لازم. بعد از این حرف و بعد از آن سال در همان بخش که بنده حالا نمی‌خواهم خصوصیاتش را بگویم، مدیران قدر و فعالی بحمدالله آمدند، کارهای خوبی انجام دادند، کارهای بزرگی انجام دادند که جلوی چشم مردم است، الان جلوی چشم مردم است در سرتاسر کشور؛ جای هیچ تردیدی نیست».

آقا می‌گویند: «بله، بعضی از کشورها هستند پول دارند، آدم ندارند؛ ما آدم داریم، در مواردی پول نداریم.» لبخند دوباره به لب‌ها می‌آید و آقا ادامه می‌دهند: «این یک واقعیتی است. یک مقداری از لحاظ پولی دچار مشکلیم اما آدم الحمدالله زیاد [داریم]. عرض می‌کنم در همان بخشی که آن آقای مأیوس آمده بود به من می‌گفت که ما مدیر نداریم، در همان بخش اتفاقاً بعدها کارهای برجسته‌ای [انجام شد] که اگر من الان بگویم، همه‌تان تصدیق می‌کنید، یعنی جزو چیزهایی نیست که محل تردید باشد. همه تصدیق می‌کنید که واقعاً در این بخش کارهای بزرگی انجام گرفت. به هر حال این هم یکی از خصوصیات این جلسه است که بحمدالله می‌بینم شماها را، جزو مدیران، جزو صاحبان فکر، صاحبان خط و ربط علمی و فنی و کاری هستید، خدا را شکر. از این جهت هم بنابراین جلسه، جلسه مطلوبی است برای من».

تعبیر «آقای مأیوس» هم در نوع خود جالب است؛ «امید» رمز حرکت است و هیچ‌کس به اندازه آقا در این سال‌ها به ملت و جوانانش امید نداده؛ «امید واقع‌بینانه و حرکت‌آفرین».

■ جلسه‌ای شیرین با ۴۰ تکه‌ای قشنگ

آقا هنوز پرونده ویژگی‌های این جلسه را نبسته‌اند: «یک جنبه دیگر این جلسه این است که این جلسه مشتمل بر افکار و نگاه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی است. انواع و اقسام اینجا من دارم جلوی چشم...» جمله آقا تمام نشده همراه با لبخند آقا، صدای خنده از جمع بلند می‌شود. وقتی آقا در توصیف جمع می‌گویند: «یک چهل‌تکه قشنگی است. از همه‌جور الحمدالله هستند.» صدای خنده بلندتر هم می‌شود و یکی از آن عقب می‌گوید خدا شما را بین اینها حفظ کند و آقا با همان لبخند جواب می‌دهند: «زنده باشید». سمت راست آقا، عارف و چمران نشسته‌اند و سمت چپ‌شان سیف و بهمنی؛ از دولتی‌های قدیمی میرسلیم و سیدکاظم اکرمی و قاسمی و متکی؛ در جناح راست مجلس، ابراهیمی و مصباحی‌مقدم از جامعه روحانیت؛ آقایان اعرافی و اختری و جواد اژه‌ای هم همان حول و حوش نشسته‌اند؛ روبه‌روی آقا در ۳ جهت رؤسای ۳ دوره دانشگاه آزاد جاسبی، دانشجو و میرزاده هستند؛ آن‌طرف‌تر شریعتمداری کیهان و دعایی اطلاعات؛ نیکزاد، تقی‌پور، فریدون عباسی و ابوالقاسم طالبی، صفدرحسینی، صادق خرازی، تابش و افشین علاء، آقاتهرانی، زاکانی و فدایی، چند نفر از خانم‌ها هم هستند.

واقعاً ۴۰ تکه است؛ اما این تنوع به نظر آقا چیز مطلوبی است: «این تنوع - این را شما بدانید این نظر قطعی من است، حالا دوستانی که با من کار کردند سال‌ها از نزدیک می‌دانند این نظر را - این تنوع چیز مطلوبی است، چیز نامطلوبی نیست».

اما آقا با همان ظرافت‌های همیشگی‌شان که موضوع را مطلق رها نمی‌کنند، شرط مطلوبیت را هم می‌گویند: «البته مشروط بر اینکه سادگی و ساده‌لوحی به خرج ندهیم، بچگی به خرج ندهیم و مثل بعضی از کشورهای دیگر که آدم می‌بیند سر یک چیزهای کوچک، اختلاف سلیقه‌ها تبدیل می‌شود به یک دعواهای بزرگ، گاهی بنیانی، می‌افتند به جان هم. به جان هم افتادن هم از زبان شروع می‌شود، لکن به زبان ختم نمی‌شود، خیلی اوقات به اسلحه ختم می‌شود».

آقا شاهد مثالش را از لیبی می‌آورند آن هم به نقل از رئیس‌جمهور قزاقستان که دوشنبه به ملاقات‌شان آمده و گفته بود: خب بله، آن قذافی آدم خوبی نبود اما وضع لیبی زمان قذافی بهتر از حالا بود. این چه وضعی است؟ دخالت کردند حضرات، این‌جور مردم را به جان هم انداختند، اصلاً هیچ کسی امنیت ندارد از خانه‌اش بیاید بیرون.

«عقل و حلم»؛ شرط اول آقا برای مفید بودن تنوع‌های فکری است: «اگر در یک چنین تنوع فکری، عقل حاکم باشد و حلم حاکم باشد، طبعاً چیز خیلی خوبی خواهد بود، چیز خوبی است. لذا در دعاها «اللهم ارْزُقنی العلم و الحلم» حلم یعنی ظرفیت، آدم ظرفیت دیدن مخالف و شنیدن حرف غیر از عقیده خود را داشته باشد».

■ رودخانه‌های کوچک و بزرگی که باید به اقیانوس انقلاب بریزند

سر گفتن دومین خاطره آقا در این دیدار همین‌جا باز می‌شود: «یک وقتی اینجا چند سال قبل از این، انواع روزنامه‌نگارهای مختلف، جور واجور آمده بودند اینجا و در میانشان افراد [مختلف بودند]، آن‌وقت تازه این تعبیر «دگراندیش» باب شده بود، من گفتم من اصلاً قبول ندارم این تعبیر را. دگراندیش، خب دگراندیش، دگراندیشی یک جرم که نیست، خب اندیشه است؛ شما یک‌جور فکر می‌کنید، رفیقت یک‌جور دیگر فکر می‌کند در مسائل مختلف، ایرادی ندارد. منتها یک شرط دارد. غیر از این شرطی که عرض کردیم که چنگال به هم نزنند و اینها، شرط دیگر این است که همه متوجه به انقلاب باشد. مساله انقلاب جدی گرفته بشود. این مهم است. این رودخانه‌های کوچک و بزرگ از جوانب مختلف، همه به این اقیانوس انقلاب بریزد، به نفع انقلاب تمام بشود. این خوب است». «انقلاب»؛ کلیدواژه پر تکرار در سخنان آقا بویژه در ماه‌های اخیر است؛ رهبر انقلاب بیش از هر چیز دغدغه انقلاب را دارد؛ آنقدر که از «تنوع و دگراندیشی» هم فایده‌ای برای انقلاب می‌جوید. ۲ روز قبل از انتخابات ۷ اسفند ۹۴ هم که شاید خیلی از سیاسیون دغدغه جناح و گروه سیاسی خود را داشتند، آقا تأکید کردند دو قطبی واقعی، دو قطبی «انقلاب- استکبار» است؛ و امروز در این جلسه آن نقشه راه را کامل می‌کنند که در هر سلیقه فکری که باشی، اگر نتیجه و خروجی عملت به نفع انقلاب و به سوی اقیانوس انقلاب است، انقلابی هستی. آقا «مسیر انحرافی» را هم معرفی می‌کنند: «اگر جریان و جهت از انقلاب منحرف شد، منصرف شد، نه دیگر، این ایجاد خطر می‌کند، اشکال درست می‌کند. البته در آن صورت هم می‌توان دعوا درست نکرد. یعنی هیچ اشکالی ندارد. ما از اول انقلاب تا حالا افرادی داشتیم ضد انقلاب بودند، یعنی هیچ مشکلی هم با اینها به خاطر ضد انقلاب بودن نداشتیم. مخالف بودند با انقلاب... هیچکس کاری با اینها [ندارد]. خب می‌بینید دیگر، از اول انقلاب چه کسی را به جرم اینکه شما غیر از فکر امام فکر می‌کنید یا غیر از فکر نظام فکر می‌کنید یا غیر از فکر انقلاب فکر می‌کنید؛ چه کسی را تا حالا مورد تعرض قرار دادند به خاطر این چیزها؟ چنین چیزی نیست. لکن خب اگر چنانچه این جریانات مختلف به سمت این اقیانوس عظیمی که انقلاب است و مکتب امام است و هویت و شخصیت امام رضوان‌الله علیه هست، اگر به این طرف سرازیر نشود، فایده خودش را از دست خواهد داد، کم‌اثر خواهد شد، گاهی اوقات اثر معکوس خواهد داشت. این را باید رعایت کرد. این شرط مهم و اصلی‌ای است، که آن وقت از این تنوع انسان بهره‌مند می‌شود».

■ اینها همه علاج دارد و انقلاب باید نشان دهد می‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند

بیان خصوصیات جلسه تمام شده؛ آقا حرف مهم‌شان را هم به مناسبت ترکیب متنوع جلسه زده‌اند اما انگار حرف اصلی‌شان مانده؛ حرف اصلی درباره مساله اصلی، «اقتصاد»، همان که باید با مقاوم کردن آن، کشور را مصون کنیم تا حربه تحریم و کینه‌توزی دشمن با این ملت بی‌اثر شود و چشم ما هم از دست دشمن برداشته شود که کی فلان تحریم را بر می‌دارد؟

آقا حرف اصلی را این‌طور شروع می‌کنند: «یک خواهش هم من دارم از همه...» و ادامه می‌دهند: «امسال که گفتیم اقدام و عمل در عرصه اقتصاد مقاومتی، این معنایش این نیست که تا حالا هیچ اقدامی نشده، خب چرا، دارند کار می‌کنند آقایان، مشغولند، کارهایی انجام می‌گیرد. منتها کافی نیست. مساله بزرگ‌تر از این حرف‌هاست. موضوع، اهم از این حرف‌هاست. اقتصاد مقاومتی یک کل فراگیر است که از عرصه علمی تا عرصه فعالیت‌های فنی، تا عرصه خدمات، تا عرصه بازرگانی و صادرات و واردات، تا عرصه آموزش در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها همه را شامل می‌شود». آنقدر که آقا روی مساله اقتصاد و معیشت و گشایش امور مردم تمرکز کرده‌اند، گویا از هیچ فرصتی برای مطالبه و ایجاد انگیزه و حرکت در مسؤولان و مردم دریغ نمی‌کنند و در این فرصت‌های تبیین و مطالبه نیز هم راهکار می‌دهند، هم مسیرهای انحرافی را تذکر: «الان مثلا فرض بفرمایید گزارش می‌آید، حالا من نمی‌دانم، فلان دستگاه را یا فلان ابزار را یا فلان قطعه را که خیلی هم مهم است و کاربرد زیادی دارد، فرض کنید فلان دستگاه فنی ما دارد می‌سازد، خوبش را هم می‌سازد، مپنا، آقای علی‌آبادی اینجا نشسته، من‌باب مثال؛ بعد همین را ما وارد کنیم. خب این بد است. این ضد آن جهت‌گیری اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی این چیزها را نفی می‌کند. اقتصاد مقاومتی اثباتی دارد و نفی‌ای. اثباتش همین است که ما یاد بگیریم که به سمت تولید داخلی رو بیاوریم. عمده تولید است. این هم یک کلمه است. تولید داخلی یک کلمه و حرف است، منتها در زیر این یک کلمه، یک دنیا معنا وجود دارد. تولید داخلی چه جوری رونق می‌گیرد؟ کمبود اعتبارات را چکار کنیم که علاج بشود؟ اینها همه علاج دارد. من به مسؤولان محترم بارها گفته‌ام. گفتم شما یکی از کارهایی که می‌کنید بنشینید این انتقادهایی که اقتصاددان‌ها می‌کنند در روزنامه‌ها، از جناح‌های مختلف، موافق دولت، مخالف دولت، اینها را جمع کنید، در یک مجمع صاحب‌فکری، اینها را بررسی کنید. اینها قابل بررسی است. بایدهایش اینهاست. نبایدهایش مهم‌تر است. نبایدهای اقتصاد مقاومتی مهم‌تر است. یک کارهایی را نباید کرد. شناسایی این نبایدها خیلی مهم است. بعد جرأت اقدام این نبایدها خیلی مهم است. در زمینه بازرگانی نمونه‌های مهمش هست، در زمینه‌های صنعتی و فنی همین‌جور، در زمینه آموزش دانشگاه‌ها همین‌جور». حالا آقا می‌خواهند نسبت انقلاب اسلامی و اقتصاد مقاومتی را بگویند تا معلوم شود این دو موجود مهم چه ربطی به هم دارند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که انقلاب نشان بدهد که هویت درونی این کشور و این ملت قادر است خود را اداره کند و رشد بدهد و تعالی بدهد. این معنای اقتصاد مقاومتی [است]. این باید تحقق پیدا کند. ما در بعضی از بخش‌ها پیشرفت‌های خیلی خوبی داشتیم. در اقتصاد این پیشرفت‌ها را نداشتیم. این مشکلات، مشکلات اقتصادی وجود دارد». شاید کلیدی‌ترین و شوق‌انگیزترین فرازهای سخنان آقا همین‌جا باشد که می‌گویند: «انقلاب باید نشان بدهد که می‌تواند مشکلات اقتصادی را برطرف کند، حل کند، و آن رشد لازم اقتصادی، فقط هم رشد نیست، توسعه به معنای وسیعش، پیشرفت، آنکه ما ترجمه می‌کنیم او را به پیشرفت، این پیشرفت باید در زمینه‌های گوناگون اقتصادی مشاهده بشود».

■ سفارش مؤکد: کمک همه به دولت در اقتصاد مقاومتی

انقلاب اسلامی باید بتواند و به فضل الهی می‌تواند اما انقلاب اسلامی در اقتصاد که اسمش شده اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد که آقا در این چند سال، بارها درباره آن نکاتی گفته‌اند؛ یکی از آن الزامات که از اول امسال تأکید ویژه‌تری بر آن دارند، کمک به دولت است؛ دولت یعنی بازوی اجرایی انقلاب اسلامی بر سر کار است تا کفایت انقلاب را در حل مشکلات اقتصادی مردم نشان دهد؛ پس همه باید به دولت کمک کنند؛ یک وجه مهم حمایت‌های رهبری از تمام دولت‌ها نیز همین است؛ حمایت و هدایت برای حل مشکلات مردم و پیشرفت کشور. همین ۱۰ روز قبل هم آقا مجدداً تأکید کردند از هر اقدام لازم و مفید در جهت منافع ملی و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی و گشایش امور مردم جداً دفاع و حمایت خواهند کرد. در این دیدار هم آقا دوباره بحث کمک به دولت را پیش می‌کشند: «این احتیاج به کمک دارد. یعنی همه باید کمک کنند دولت را برای این کار. من سفارش مؤکد کردم، هم در جلسات خصوصی، هم در جلسه عمومی که دوستان همه اینجا بودند که این کار را دنبال بکنند. شماها می‌توانید همه کمک کنید. واقعاً هر کدام در بخش‌های مختلف که هستید کمک کنید، هم در زیرمجموعه‌های خودتان، هم در حوزه نفوذ خودتان. فرض کنید نماینده مجلس در مجلس، مسؤول فلان نهاد در آن نهاد، مسؤولان گوناگون در بخش‌های مختلف، بخش‌های آموزشی، بخش‌های علمی و...».

■ استکبارستیزی آن روی سکه اقتصاد مقاومتی؛ بدون این نمی‌شود

آقا حالا انذار می‌دهند تا مشخص شود اگر این راه اساسی دنبال نشود، چه سرنوشتی مقابل کشور قرار می‌گیرد: «این اساس کار است. اگر این نشد، یعنی اگر چنانچه ما به این توان داخلی و درونی خودمان تکیه نکردیم و آن گنجینه را استخراج نکردیم، این معدن را که یک معدن عظیمی است، اگر این معدن را استخراج نکردیم یا آنچه که استخراج شده را گذاشتیم خراب بشود و فرو بریزد، آن وقت محتاج بیرون خواهیم بود. احتیاج به بیرون هم چیز خیلی خطرناکی است. به مجرد اینکه احساس کردند شما محتاج هستید، یک ملتی محتاج است، فشار می‌آورند، فشار را زیاد می‌کنند، لگد می‌زنند، تحقیر می‌کنند. این‌جور نیست که شما مثلاً به فلان دولت مستکبر بگویید خیلی خب، ما دیگر با شما کاری نداریم، شما هم با ما کار نداشته باش. قضیه این‌جوری تمام نمی‌شود. ما به شما کار نداریم؛ این حرف در مسائل جهانی و بین‌المللی و معارضه قدرت‌ها و صف‌آرایی جبهه‌های قدرت اصلا معنی ندارد. باید جلویش را بگیریم. باید مانعش بشوید و الا می‌آید جلو. حرف این است. بنده عرضم این است. اینکه ما راجع به مسائل خارجی و سیاست خارجی و استکبار و نمی‌دانم از این حرف‌ها هی مکرر می‌گوییم، تکرار می‌کنیم در حرف‌های عمومی، در حرف‌های خصوصی، این به‌خاطر این است. نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور - حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی- مخالفیم، نه! آنهایی که با بنده کار کردند می‌دانند. بنده هیچ مخالفت که ندارم، بلکه از اول مشوق این‌جور ارتباطات بودم، الان هم هستم. الان هم مسؤولان دولتی را دائماً تشویق می‌کنم به افزایش ارتباطات. منتها ارتباطات با چه کسی؟ آن کسی که می‌خواهیم با او ارتباط بگیریم چه انگیزه‌ای دارد؟ ما در مقابل انگیزه او چه توانی داریم، اینها باید محاسبه بشود، بدون محاسبه که نمی‌شود. حرف این است، اقتصاد مقاومتی در واقع این است. بحث مقابله با استکبار در ماهیت و هویت خودش غیر از اقتصاد مقاومتی، در بخش اقتصاد حالا، هیچی دیگر نیست. استقلال فرهنگی هم که من همیشه سال‌ها روی آن تکیه کردم هم جزو همین چیزهاست. اما حالا بحث اقتصاد است. این سال‌ها مساله اقتصاد برای ما مساله اول است. این بحث استکبارستیزی و دعوا با کسانی که در خلاف این جهت حرکت می‌کنند، نهیب زدن به آمریکا و دیگران، این در واقع آن روی سکه اقتصاد مقاومتی است. بخواهید شما اقتصاد مقاومتی تحقق پیدا کند، بدون این نمی‌شود، بدون این نمی‌شود».

آقا ۲ بار تکرار می‌کنند: «بدون این نمی‌شود» این یعنی استکبارستیزی فقط در حرف نیست، اقدام و عمل هم می‌خواهد؛ اقدام و عملش در اقتصاد می‌شود اقتصاد مقاومتی؛ هر دو روی این سکه باید باشد.

■ نه دشمن را دست‌کم می‌گیریم نه خودمان را

جلسه رو به آخر است اما کسانی که با سخنان آقا انس دارند، می‌دانند پایان‌بندی این سبک سخنان آقا معمولاً باید تقویت همان امید و «ما می‌توانیم» باشد؛ آن‌هم از نگاهی واقع‌بینانه. جانباز مدافع حرمی که در جلسه نشسته، مبشر همین قدرت و امید است. آقا سخنان خود را اینطور جمع‌بندی می‌کنند: «طرف، ابزارهای قدرتش زیاد است، توانایی‌های زیادی دارد، به هیچ‌وجه ما دشمن را دست کم نمی‌گیریم و می‌دانیم دشمن که هست و چه هست و چقدر توانایی دارد اما از توانایی خودمان هم نمی‌توانیم غفلت کنیم، ما هم توانایی‌های زیادی داریم. ممکن است از نوع دیگری باشد اما توانایی است. دلیل توانایی اینکه اینها به خون امام بزرگوار و به خون این انقلاب تشنه بودند از روز اول. الان ۳۷ سال است این انقلاب روزبه‌روز دارد رشد می‌کند، پس ما توانایی‌ایم که توانستیم رشد کنیم. اگر توانایی نبود که رشد نمی‌شد. پس این توانایی هست. این بهترین دلیل بر امکان شئ، بر احتمال وقوع شئ، وقوع خود آن شئ است. واقع شده دیگر. ما الان ۳۷ سال است داریم حرکت می‌کنیم، پیش می‌رویم، کار می‌کنیم، ایستادگی می‌کنیم. بنده حرفم این است. این را دنبال کنید. این هر دو روی سکه را دنبال کنید، هم در مجلس دنبال کنید هم در دولت دنبال کنید، هم در بخش‌های مختلف نهادها دنبال کنید، ارتباطات دارید، آشنا هستید، می‌شناسید مسؤولان را، سال‌ها در مسؤولیت بودید، با هم بودید، هم در دانشگاه‌ها بویژه دنبال کنید، در محیط‌های فرهنگی دنبال کنید. این عرض ماست. اگر این بشود آن وقت ان‌شاءالله عید، مبارک به معنای واقعی خواهد بود. اینکه عرض کردیم به شما که خدا مبارک کند، درواقع همه این حرف‌ها در این «مبارک» هست، از همه‌تان متشکرم. والسلام علیکم و رحمه‌الله».

***

آقا گفته بودند «نوروز یعنی روز نو، کار نو، ابتکار نو»؛ کار و ابتکار امسال باید اقتصاد مقاومتی باشد که مردم و رهبر توقع آن را دارند؛ در یک کلام همان جمله طلایی: «انقلاب باید نشان بدهد که می‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند و در زمینه‌های گوناگون اقتصادی پیشرفت مشاهده شود».